



اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.
منصور حکمت

شماره ۲۶۶
۸ تیر ۱۳۸۴
۲۹ ژوئن ۲۰۰۵

ایسکرا

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

مضحکه انتخابات و کودتای مخملی جناح راست!

و بحران حکومت را تخفیف بدهد و با این رویای پوچ که کاندید حزب الهی خودش میتواند، احمدی نژاد را به رئیس جمهوری رساند. این اقدام افراطی ترین بخش جناح راست شبیه يك کودتا اما از نوع پوشالی و ابلهانه آن است. این يك شبه کودتاست چون عمل ناگهانی بخش حزب الهی رژیم برای متمرکز کردن تمام قدرت در دست خود و تلاشی برای روی آوردن به سیاست سرکوب آشکار در برابر مردم ناراضی و معترض است، و پوشالی و ابلهانه است بخاطر آنکه به حکم شرایط عینی سیاسی نه تنها در رسیدن به این اهداف خود نمیتواند موفق شود،

صفحه ۲

آینده جمهوری اسلامی بعد از "انتخابات"

کنند، بیرون آمدن هر يك از هفت نفری که از صافی شورای نگهبان رد شده بودند کوچکترین فرقی به حال مردم معترضی که تصمیم خود را برای سرنگون ساختن این رژیم گرفته اند، نمی کرد. اما کشیده شدن این مضحکه به دور دوم و به فیینال رسیدن هاشمی و احمدی نژاد، از يك حقایق سیاسی و مادی حکایت دارد که باید بدان پرداخت.

در دور دوم از این نمایش بسیاری از مدافعین و طرفداران اصلاح طلب درون حکومت بر این باور بودند که از آنجا که خفه کن تقلب را هم بالای دهانشان گذاشته اند اما با این حال می توانند با جمع

صفحه ۴

دیگران را برای دور دوم که پشت سررفسنجانی رفتند محسوب کنیم، برای این جماعت تردیدی باقی نمی ماند که رفسنجانی با آرای بیشتری از احمدی نژاد از جعبه بیرون می آمد. البته در دور دوم به همین نتیجه توهم آمیز دل بسته بودند اما در نظام جمهوری اسلامی و نظام های مشابه حکومت خدا، قانون چیز دیگری است یعنی حرف اول و آخر را خدا می زند، خدا نماینده کل مسلمانان است و به این اعتبار می تواند به تنهایی و به جای همه مریدانش در صندوق رای بیاندازد. منتها خارج از این توهین و اهانتی که حکومت اسلام و نمایندگان آن در جمهوری اسلامی به بشریت می



عبدل گلپریان

بعد از دو هفته بحران عمیق و در واقع تحمیل این بحران از سوی توده های وسیع مردم به جناح های درون حکومت، یکی دیگر از مهره های این رژیم، احمدی نژاد از صندوق بیرون آمد. این در حالی است که نه از نظر يك ناظر خارجی بلکه اگر نظرآندسته از کسانی که دل به عروج رفسنجانی، معین یا کروی بسته بودند بخواهیم به این پدیده نگاه کنیم و آرای دور اول رفسنجانی، کروی، معین و

جناح بازی رژیم تمام شد، رژیم اسلامی در آخر خط!



محمد آسنگران

مقطع ضربه آخر مردم فرا رسیده است

asangaran@aol.com

باند خامنه ای حکومت را يك دست کرد. آمدن احمدی نژاد تیر خلاص به جناح دوم خرداد بود. تمام جناح بازیهای اینها ۸ سال برای رژیم وقت خرید. جنگ قدرت در درون رژیم به نفع باند راست فیصله یافت. اکنون اولین فاکتوری که مطرح شده است این است که چهره کریم رژیم اسلامی لخت و عور و بدون حایل دوم خرداد در مقابل ضربه مردم قرار گرفته است. کل طیف دوم خردادی درون و بیرون حکومت و اینبار طیف میانه حکومت هم، همگی در يك جبهه قرار میگیرند و در مقابل جناح و باند حاکم، "پوزسیون" میشوند. اپوزیسیون جناح حاکم و مدافعان سینه چاک خمینی و رژیم اسلامی. باند حاکم که کل دم و دستگاه سرکوب را در اختیار گرفته است، تلاش

صفحه ۳

دستگیری و آزاد شدن یکی از رهبران کارگری در سندانج

محمد نعمتی یکی از رهبران کارگری در روز پنجشنبه از طرف اطلاعات سپاه بازداشت شدو بعد از دو روز آزاد میگردد. آزادی محمد نعمتی با استقبال و خوشحالی وسیعی از طرف مردم و کارگران شهر سندانج روبرو میشود. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران بعد از آزادی محمد نعمتی دو اطلاعیه دیگر منتشر کرد که در این شماره به چاپ میرسانیم.

اطلاعیه شماره ۲

محمد نعمتی آزاد شد

محمد نعمتی شب پنجشنبه همراه دو نفر دیگر در یکی از خیابانهای شهر سندانج دستگیر شده بود. بعد از مدت کوتاهی دو نفر همراه او را آزاد کردند. محمد نعمتی تا روز يك شبشنبه همچنان در بازداشت بود.

ظهر امروز يك شبشنبه پنجم تیر ماه محمد نعمتی با قید وثیقه آزاد گردید.

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

سر دبیر ایسکرا منصور فرزاد

Tel: 0046 73 770 64 54
E-mail:
mansoorfarzad@yahoo.se

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران

Tel: 0049 1633458007
E-mail:
asangaran@aol.com

تولیزون کانال جدید تا ۱۰ شب

Satellite: Telstar12

Center Frequency:
12608MHz

Symbol Rate:19279

FEC:2/3

Polarization:Horizontal

رادیو انترناسیونال

۹ هر شب

رادیوی قوی با پوشش سراسری در ایران

صدای آزادی ، صدای حقیقت
صدای کارگر، صدای انسانیت
به همه طول موج
رادیو را معرفی کنید

۲۱ متر برابر

با ۱۳۸۰۰ کیلو
هرتز

ایسکرا

چهارشنبه ها منتشر
میشود

ادامه مضحکه انتخابات و کودتای مخملی ...

دادن يك پادوی حزب اللهی از معین و قالیباف و کروبی و رفسنجانی و رساندنش به کرسی ریاست جمهوری فی الحال شکافهای جدید و خردکننده تری در میان حکومت ایجاد کرده است .

اما رژیم حتی اگر میتوانست دعواهای حاد داخلی اش را به نحوی حل و فصل کند و همه دارو دسته های حکومتی را به تمکین به احمدی نژاد وادار، قادر به تحمیل او به جامعه نخواهد بود. در این تردیدی نیست. بحران حکومت با انتخابات شروع نشد و با انتخابات هم تمام نمیشود بلکه بر عکس براتب عمیق تر و حاد تر میشود. رئیس جمهوری که رقبای انتخاباتی فی الحال او را ملا عمر و طالبان و فاشیست نامیده اند، و "انتخاب" وی با جعل و صندوق سازی و تقلبات وسیع و وقیحانه و آشکار ممکن شده، رسماً و علناً نشاندهنده بی اعتباری کل حکومت اسلامی است. انتخابات را میخواستند به عنوان نمایش حقانیت و مشروعیت بخشیدن به حکومت اسلامی برگزار کنند اما

بلکه به سرعت این حرکت يك موج برگشت را در برابر خود شکل خواهد داد و به عکس خود تبدیل خواهد شد. اگر جناح راست و سیاست ارباب و سرکوب آشکار به تنهایی و بدون حائل و ضربه گیر اصلاحات و امید واهی به "تغییرات تدریجی" قادر به سرکوب و ارباب جامعه بود اصولاً از همان ابتدا به خط دو خرداد و جناح "اصلاح طلب" نیازی پیدا نمیشد. امروز این حائل و ضربه گیر در اثر مبارزات گسترده مردم تماماً ورشکسته و بی خاصیت شده است، و این شکسته شدن يك بال نظام قابلیت بال دیگر در سرکوب و ارباب را نیز بیش از پیش تضعیف کرده است. این را خود حکومتیان نیز میدانند اما راه حل دیگری ندارند. کودتای مخملی حزب اللهی های حکومت، که نه با توپ و تانک بلکه با تقلب در انتخابات صورت گرفت، اقدامی از سر ناگزیری و بیچارگی است و نه نشانه توانائی و قدرت نمائی. رژیم حتی قادر به جمع و جور کردن صفوف خودش نیست. مدتهاست دار و دسته های مختلف حکومت بجان هم افتاده اند و عبور

مبارزات انقلابی مردم به سرعت رنگ میبازد و ایده های چپ و رادیکال بیشتر در میان مردم جا باز میکند. مضحکه انتخابات و نتیجه رقت بار آن در يك سطح وسیع اجتماعی زمینه را برای تقویت و گسترش بیشتر ایده های انقلابی و جنبش انقلابی مردم و حزب کمونیست کارگری بعنوان حزب سیاسی پیشتاز این تحولات فراهم کرده است .

حزب کمونیست کارگری، طبقه کارگر و همه مردم ایران را به برپایی انقلاب علیه جمهوری اسلامی و برقراری جامعه ای آزاد و برابر و انسانی فرامیخواند .

آزادی، برابری، حکومت
کارگری

زنده باد انقلاب

زنده باد جمهوری

سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری

ایران

۴ تیرماه ۸۴، ۲۵ ژوئن

۲۰۰۵

احساس پیروزی و شادمانی در میان مردم موج میزد. این استقبال از محمد نعمتی سنت ملرنی است که باید از همه زندانیان سیاسی بعمل آید.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران شادباش خود را به محمد نعمتی، خانواده، بستگان و دوستان و همه مردم سنجند تقدیم میکند. ما همچنین از همه کسانی که در چند روز گذشته برای آزادی محمد نعمتی تلاش کردند قدر دانی میکنیم. از همه مردم و دوستان و بستگان محمد نعمتی میخواهیم که این شادی و جشن پیروزی را گسترش دهند. همه زندانیان سیاسی باید این چنین مورد استقبال گرم مردم قرار گیرند. این سنت مدرن و انسانی را باید در همه جا تکثیر کنیم.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۶ تیر ماه ۸۴ -
۲۷/۰۵/ژوئن

مردم آنرا به نمایش رسوا کننده ای از تقلب و دروغ و جعل برای نظام اسلامی تبدیل کردند و اکنون پادوی حزب اللهی که از صندوق در آورده اند حتی در میان بخشهای دیگر خود حکومت نیز وزن و اعتباری ندارد. با این مضحکه رژیمی متشتت تر، منفورتر، منزوی تر و شکننده تر در مقابل مردم تشنه رهایی و معترض قرار گرفته و پله دیگری به سرنگونی نزدیک تر شده است .

يك نتیجه دیگر این انتخابات گسترش صفوف انقلاب و روشن شدن بیش از پیش حقانیت سیاستهای رادیکال و انقلابی در برابر کل نظام جمهوری اسلامی و تمامی اپوزیسیون ملی اسلامی و دموکراسی پناه و اصلاح طلب آنست. بر همه معلوم شد که تا زمانی که جمهوری اسلامی بر سر کار است، انتخابات و فراندوم بازی پوچ و مسخره ای بیش نیست، و برای هیچکس تردیدی نماند که پروژه اصلاح این نظام به همان اندازه پوچ و مسخره است. با این رسوائی انتخاباتی، آخرین توهمات و امیدهای واهی به تغییر و بهبود اوضاع از راهی بجز گسترش

تیرماه آزاد گردید. در این چند روز بطور مدام تعدادی از بستگان، دوستان و خانواده او در مقابل اداره اطلاعات سنجند حضور داشتند و خواهان آزادی او شدند.

قرار بود روز شنبه او را تحویل دادگاه بدهند. اما بعداً اعلام کردند که دادستان قبول نکرده است. روز يك شنبه با قید ضمانت و تحویل يك سند به ارزش ۲۰ میلیون تومان او را آزاد کرده اند.

روز يك شنبه ساعت ۱ بعد ازظهر محمد نعمتی هنگامی که از زندان بیرون آمد با مشاهده بیش از ۱۰۰ نفر که برای استقبال از او آنجا حاضر شده بودند روبرو شد.

حاضرین با يك تاج گل آماده استقبال از او بودند. به محض بیرون آمدن از در زندان مردم این تاج گل را به محمد نعمتی هدیه کردند و او را در آغوش گرفتند. محمد نعمتی با تاج گل در گردن که با رویانی قرمز تزیین شده بود در میان ابراز احساسات و کف زدن مردم به طرف خانه راه افتاد.

کمیته کردستان حزب برسانند. هر نوع دستگیر و اذیت و آزار مردم بوسیله نیروهای مزدور جمهوری اسلامی باید به اطلاع جهانیان برسد.

حزب کمونیست کارگری ایران با استفاده از رسانه های خبری که در اختیار دارد این را وظیفه خود میداند. در این راستا ما همه شما مردم را فرا میخوانیم که این اخبار را به دست ما برسانید.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۵ تیر ۸۴ - ۲۶ . ۰۶ . ۲۰۰۵

اطلاعیه شماره ۳

مردم سنجند از محمد نعمتی استقبال کردند

محمد نعمتی یکی از رهبران کارگران و مردم معترض سنجند هنگام آزادی از زندان مورد استقبال گرم مردم قرار گرفت.

همچنانکه در اطلاعیه های قبلی به اطلاع رساندیم، محمد نعمتی پنج شنبه ۲ تیر ماه ۸۴ در خیابان دستگیر شد. روز يك شنبه ۵

ادامه جناح بازی رژیم تمام ...

میکند که همزمان جناح رقیب را در قدم اول خنثی و اپوزیسیون رادیکال خود را مرعوب کند. میگویم مرعوب زیرا سرکوبگری رژیم اسلامی دیگر کارایی ندارد، اگر توان سرکوب داشتند تا حالا کرده بودند. تعادل قوا به نفعشان نیست. هر نوع تعرض به مردم با جواب قاطع و تعرض گسترده روبرو میشود. کسی که فکر کند با این تغییرات ممکن است جنبش آزادیخواهی را سرکوب کنند، غیر مستقیم دارد میگوید که جناح رقیب مانع سرکوب مردم بوده است. در حالی که هر دو جناح در سرکوب مردم و حفظ نظام توافق داشتند.

هر دو جناح در حفظ نظام همنا و هم هدف بودند، فقط تاکتیکهایشان کمی با هم تفاوت داشت. یکی در توهم قتل عامها و تیر خلاص زندهای سال شصت است و فکر میکند میتواند تاریخ را به عقب برگرداند و دیگری خواهان سرکوب ملایمتر و قتل عام و کشتار به همراه لبخند و با شعار "اصلاحات" است. بنا بر این کسی که میگوید جناح سرکوبگر قدرت را گرفته غیر مستقیم به این معنی است که گویا جناح مقابل چنین نبوده است. در حالی که هر دو در نفس سرکوب اعتراضات مردم و حفظ نظام با هم اختلافی نداشتند. اختلاف آنها تنها در شیوه سرکوب و چگونگی دفاع و حفظ نظام بود.

باند خامنه ای شیوه خودش را نه تنها علیه مردم که علیه دوستان و مدافعان رژیم هم بکار گرفت. تا اینکه قدم به قدم با تسخیر سنگرهای شوراهای اسلامی شهر و مجلس شورای اسلامی کل قدرت دولتی را هم از آن خود کرد.

به این معنا حکومت يك دست شد اما رژیم اسلامی چند پاره گردید. جمهوری اسلامی چهره های شاخص خود را قربانی کرد و تیر خلاص زنها و جنگجویان را به جای فرماندهندگان و سازمان دهندگان قتل عامها "در راس قدرت نهاد. رژیم اسلامی از مضحکه انتخابات ضعیف تربیرون آمد.

صف رهبران و مدافعان جمهوری اسلامی مشتت تر و گسیخته تر گردید. بخش عظیمی از گله آخوند و آیت الله و حجت الاسلام که رژیم اسلامی را ساخته بودند اکنون از قدرت کنار گذاشته شده اند. طیفی از مدافعان حکومت اسلامی که در حاشیه حکومت چشم به راه شریک شدن در قدرت بودند، زبان به نقد رژیم گشوده و خود را در صف سرنگونی طلبان جا میزنند. از کل طیف ملی اسلامی اکنون فقط يك جناح افراطی و کله پوک حکومت را از آن خود کرده است. بقیه این طیف که مدافع همیشگی جمهوری اسلامی بودند و پایه های این رژیم را ساختند به "اپوزیسیون" رانده شده اند.

همه آنها اکنون در حالت یاس و ناامیدی و ترس از تعرض نهایی مردم به فکر حزب سازی و جبهه سازی افتاده اند که راهی برای حفظ نظامشان بیابند. کروی و رفسنجانی هر دو اعلام کرده اند که دست به چنین کاری میزنند. امیدشان به این است که بار دیگر حکومت را از آن خود کنند. اینبار ناچارند بیرحمانه علیه خامنه ای ایستادگی کنند.

اما مردم به هیچ کدام از این باندها نباید فرصت باز سازی خود را بدهند. صف دشمن در حال اضمحلال است. حمله را باید سازمان داد. جبهه انقلاب و سرنگونی طلبی باید با تاکتیک تعرض به میدان بیاید.

جامعه مدینه النبی خاتمی و نهضت آزادی و منتظری و رفسنجانی مجاهدین انقلاب اسلامی و... به گور سپرده شد.

اکنون باند تیر خلاص زن، با پرچم حکومت عدل علی به میدان آمده است. اینبار مردم حکومت اسلام و خدا را یکجا همراه خامنه ای و احمدی نژاد و سرداران سپاه، در کنار جنازه دوم خرداد و مدینه النبی به گور میسپارند. جمهوری اسلامی بیش از همیشه ضعیف، ناتوان و سردرگم در مقابل مردم قرار گرفته است. جمهوری اسلامی اینبار چنان

لخت و عور با تمام ابعاد زشتی و خشن اش خود را به نمایش گذاشته است که دوستان و مدافعانش هم نمیتوانند از آن دفاع کنند.

خودشان بهتر از هر کسی میدانند که مردم در مقابل این مضحکه انتخاباتی ایستادند. میدانند که مردم اینبار "نه بزرگ خود را با قاطعیت به هردو جناح اعلام کردند. ناچاراً در مقابل مردم برای حفظ نظام و به منظور شکست رقیب دست به تقلب در رای زدند. تقلب کننده خود بهتر میدانند که در چه شرایطی بسر میبرند. راه دیگری برایشان نمانده بود. اگر میدانستند که با سرکوب میتوانند حکومت اسلام را برودام کنند، هیچ ابایی نداشتند. اما ضعف و زبونی رژیم اسلامی چنان همه جانبه است که ناچار شدند به تقلب در انتخابات روی بیاورند، که تعداد شرکت کنندگان را قابل توجه نشان دهند. برای رژیم اسلامی تعداد کل آرای که اعلام شده مهمتر از جنگ جناحی و تصفیه حساب با رقیب داخل خود بود. به همین دلیل نسبت آرای همه کاندیداهایش را چند برابر اعلام کرد. و طبعاً بر اساس سناریوی از قبل تصمیم گرفته شده، آرای يك نفر را چنان زیاد کردند که برنده شود. و این باعث اعتراض دوستانشان شد. اعتراض بقیه به نفس بالا بردن آرا نبود، به سهم افراد از آن بود.

اتفاقی که در جمهوری اسلامی افتاده است جدی است. تبعات داخلی و بین المللی زیادی دارد. طیفی از فرماندهان و رهبران جنگ علیه مردم را کنار زدند و جنگجویهای بیرحم را فرمانده اعلام کرده اند. این شکست استراتژیک جمهوری اسلامی است که این رژیم را به این حال و وضع انداخته است. طرف مقابل کل این دستگاه سرکوب، مردم هستند که در ابعادی اجتماعی در حال پیشبردن يك جنگ تمام عیار بر علیه حکومت هستند.

يك فرمانده کله خرچند تیر خلاص زن و بیرحم، کاری از پیش نمیرد. شکستشان قطعی است. با اولین تعرض مردم هزیمت اینها آغاز خواهد شد. برخلاف تصوراتی

که اعلام میشود که باید در شرایط جدید مردم با احتیاط جلو بروند، ما فکر میکنیم که دوره تعرض نهایی فرا رسیده است.

توهمات تغییر تدریجی و گام به گام در اذهان جامعه حاشیه ای شده است. جبهه انقلاب علیه جمهوری اسلامی گسترش یافته است، رادیکالیسم در جامعه به شکلی افراطی سر باز کرده است. دشمن ضعیف تر شده است.

بعد از اتفاقات يك ماه گذشته بطور واضحی صف رادیکالیسم و سرنگونی طلبی در میان مردم وسیعتر از همیشه شده است. مدافعان حاشیه حکومت و مفسران و مدافعان تغییر تدریجی در حکومت اسلامی به این قناعت رسیدند که با وجود این رژیم هر نوع تغییر قدم به قدم غیر ممکن است. طیف کلاه مخملی "شاعر، نویسنده، هنرمند" و... با سری افکنده و کوله باری از شکست پی در پی بی خاصیت و خود را قربانی دوست نادان میدانند.

همه این عمله و اکره رژیم و حاشیه رژیم اکنون به صف مخالفین حکومت پرتاب شده اند. اینها از گردونه نظام دلخواهشان به دلیل بیرحمی دوستان جناح رقیب به بیرون پرت شدند.

دولت آبادی، بهنود، سپانلو و ابراهیم نبوی و... دیگر نمیتوانند با پز واقعه گرای ظاهر شوند. اینها در میان مردم بی اعتبار بودند، اکنون در نزد دوستان بیرحمشان هم رانده شدند. بنا بر این جمهوری اسلامی بدون حفاظ با چهره ای خشن تر از همیشه تمام شرکا و قلم بدستان مدافع خود را هم از دور خارج کرد.

اما سوال این است که جمهوری اسلامی تا چه حد امکان سرکوب و مهار کردن اعتراضات مردم را دارد. ما بارها گفته ایم که جمهوری اسلامی قدرت سرکوب مردم را ندارد. زیرا این نسل آماده برای تغییر تفاوت اساسی با نسل ۵۷ دارد. توقعشان متفاوت و قدرت و توان تغییرشان قابل مقایسه با آن دوران نیست. در این نباید شکی داشت، اگر جمهوری اسلامی تعرض را آغاز کند با اولین تعرض، مردم در ابعادی میلیونی به میدان خواهند آمد. در نتیجه با اولین

تعرض مردم رژیم اسلامی را به هزیمت وادار میکنند.

نتایج انتخابات و قدرت گیری جناح راست رژیم، ممکن است نسل دوران انقلاب را به خاطره های سال ۶۰ رجوع بدهد. اما جامعه امروز و نسل جوان امروزی هیچ شباهتی به آن دوره ندارد. جریانات دوم خردادی برای فریب مردم تلاش کردند که آن تصویر را در مقابل جامعه قرار دهند.

اما کسی که این تصویر از قدرت رژیم را داشته باشد شناختش از جامعه و پتانسیل نسل جوان غلط است.

عیاق ضربه گیر دوم خرداد میان مردم و رژیم از بین رفت. جبهه سرنگونی و جبهه انقلاب مردم علیه رژیم اسلامی، باید بعد از این اتفاقات درون رژیم رادیکالتر، منسجمتر و قاطعتر از قبل برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی به میدان آید. حکومت اسلامی در سراسی سقوت است و هیچ خدا و پیغمبر و قاتلی نمیتواند این سرنوشت محتوم را تغییر دهد. باید برای تعیین تکلیف نهایی با این حکومت به میدان آمد.

دوره انقلاب مردم برای رهای و خلاصی از اسلام و رژیم اسلامی فرا رسیده است. کارگران و چپ جامعه باید دست به کار سازمان دادن خود و کل جامعه بشوند. صف دشمن پراکنده است باید این صف را به هزیمت وادار کنیم. باید تلاش کنیم که ناتوانی و درهم ریختگی صف دشمنان مردم را مورد تعرض قرار دهیم. نباید فرصت بازسازی خودشان شان را داشته باشند.

انقلاب کارگری و نیاز به سوسیالیسم از همیشه ضرورت بیشتری یافته است. حزب کمونیست کارگری میتواند و باید نقش تاریخی خود را ایفا کند. دوران عروج حزب کمونیست کارگری و تنها آلترناتیو چپ و مطرح در جامعه شناس پیروزی دارد. دشمن ضعیف را باید با تعرض نهایی سرنگون کرد. این افق را با تعرض به دشمن به واقعیت روز تبدیل کنیم.

ادامه آینده جمهوری اسلامی ...

آرای رفسنجانی، کروی، معین، معین، دیگران که در دور اول کسب کرده بودند، این بار به راحتی بتوانند نقش اصلاح طلبی را در قامت رفسنجانی و برای نجات نظام و همچنان به هدف عمر خریدن برای جمهوری اسلامی ادامه دهند. این توهما برای این طیف از جناح رژیم به واقعیت تبدیل نشد و دوم خردادی که در تابوت قرار داشت فکر می کرد رفسنجانی بتواند حد اقل این تابوت را به سر منزل مقصود برساند. جناح راست حکومت نیز به سرکردگی خامنه ای و از همان دور اول با اتکا به باندهای همیشگی اش تضمین کرده بود که احمدی نژاد را از صندوق بیرون بکشد تا یکبار برای همیشه و به زعم خود شر بقایای دو خرداد و مزاحمت های خانوادگی را از سر خود کوتاه کند و دست و بال فراغ تری را برای سرکوب انقلاب مردم از خود نشان دهد. هم جناح راست و هم جناح بی خاصیت شده اصلاح طلب بعد از این نمایش مسخره و رسوائی و شکستی که از جانب مردم چه در داخل و چه در خارج دریافت کردند، این مخصصه را با این اقتضاح و این شکست سخت، فعلا و موقتا از سر گذرانده اند اما تازه اول کار است. جمهوری اسلامی از همان آغاز روی کار آمدنش با کشتار و اعدام، بحران و تناقض و سرکوب خود را به قدرت رسانید و تا به امروز این رسالت را با خود یدک می کشد و روز به روز به بحرانهایش اضافه شده است. به این بحران جدید نگاهی بیاندازیم.

اگر رفسنجانی در این بازی قدرت دست بالا را پیدا می کرد چه اتفاقی می افتاد؟ جواب به این سؤال بسیار ساده و روشن است. اول اینکه رفسنجانی بعنوان رئیس جمهور سابق این رژیم وظایف خود را بعنوان عامل اصلی ترور مخالفین حکومت در خارج، سرکوب و کشتار ناراضیان و معترضین در داخل، ایجاد شبکه های مافیائی برای سرکوب و به فقر و فلاکت رسانیدن میلیونها انسان در این کشور در جهت حفظ و حراست از رژیم اسلامی به اثبات رسانیده است. کاری را که این سردار سازندگی شاید می توانست بر عهده بگیرد این بود که هم بعنوان مبصر

حراست از نظامشان متفق القولند را به جان هم انداخته و بحران آترا روز افزون می کند. خود این پدیده و این اتفاق ناشی از کینه و نفرت جناح راست با رفسنجانی و بقیه مهره های دیگر این رژیم نبوده و نیست این اتفاقات در روند اوضاع سیاسی ایران که پوزه کسی چون رفسنجانی را به خاک می مالند در وهله اول ناشی از دعوی جناحی نیست بلکه خیزش توده های وسیع مردم از پائین که کل نظام و حکومت اسلامی را نشانه رفته است اساسی تر است. هر مسئله دیگری است. جناحهای این رژیم برای نجات خود از سرنگونی که مردم دارند سازماندهی آترا تدارک می بینند براه و شیوه های متفاوتی را برای حفظ نظام ارائه میدهند و حاضر هستند که مهمترین یاران و مهره های خود را قربانی نظام کنند. به همین دلیل دعوی جناحها، افشاگریها و بزیر کشیدن همدیگر که مدتهاست سرتا پای سیستم را در بر گرفته در عین حال واقعی است و تا سرنگونی جمهوری اسلامی دسته بندیهای مختلف و ائتلافها جدید و جنگ و آشتبها ادامه خواهد داشت.

با آمدن احمدی نژاد نیز صورت مسئله هم چنان سر جای خود است. برای کسانی که معتقدند که باید شمشیر را از رو بست و یا بروایتی برای آن دسته از مهره های این حکومت که طرفدار سنگسار در ملاعام هستند واحمدی نژاد آترا نمایندگی می کند، بر خلاف مهره های رقیب که سنگسار را در ویرانه ای و بدور از چشم مردم توصیه می کنند، سیاست ارباب و ساکت کردن هرچه خشن تر مردم برای این ها حکم بقا و تداوم رژیم را دارد در حالیکه با کنار زده شدن دیوار حائل دو خردادی های مدفون شده، جنگ، در دو صف واقعی میان مردم از یک سو و کل پیکره رژیم ارسوی دیگر در مقابل هم وارد مرحله جدیدی خواهد شد. این مرحله جدید کدام است؟

اکنون که جناح راست يك دست شدن خود را با حفظ بحران دورنی خود و با تهدید و ارباب، ظاهرا به کرسی نشانیده است، در صدد این بر خواهد آمد که بدور از دغدغه های جناحی سیاست سرکوب شدید را در مقابل مردم جان به لب رسیده به نمایش بگذارد. در صورت اتخاذ این سیاست از جانب حاکمیتی که به

ظاهر خود را يك دست احساس می کند، اوضاع سیاسی فعلی که در آن مردم کمر به نابودی این رژیم را بسته اند، اجازه این بازی کردن با آتش رانخواهد داد. و این ظاهر يك دست شده نیز توان تحرك هیچ گونه توحشی را هم ندارد. چرا که اکنون دوران بعد از ۳۰ خرداد ۶۰ نیست که بخوانند برای تثبیت خود بر احمی به قلع و قمع و خفه کردن هر نوع صدای آزادی خواهانه و معترضی جوخه های مرگ راه بیندازند. اینها ظرفیت هر نوع توحش و بربریتی را همیشه داشته و دارند اما ظرفیت و پتانسیل مبارزاتی مردم از طرف دیگر درهای انقلاب را به صدا در آورده و مدتهاست که زیر پای رژیم را داغ کرده است. دقیقا در همین رابطه بود که جناب رهبر خامنه ای بعد از بیرون کشیدن احمدی نژاد از صندوق بلافاصله دستور داد که برای حفظ نظام اسلامی هم شده از جشن گرفتن خود داری شود. خامنه ای بیشتر از هر کس اوضاع درهم ریخته حکومت اسلامی را تشخیص داده است و میدانست که اگر جشنی برپا می شد، مردمی که مترصد کوچکترین بهانه برای تعرض به رژیم هستند این جشن را بر سرشان خراب می کردند و خوشحالی مقامات را به عزا تبدیل میکردند.

مردم تشنه آزادی و رفاه، تشنه عدالت و هم چون انسان زیستن، از سالها قبل از تولد دو خرداد برای سرنگونی این حکومت پا به میدان گذاشته اند. کارگران، زنان، جوانان، معلمان و پرستاران و دیگر اقشار مردم جامعه که با جانفشانی و اعتراض هر روزه دستاوردهای پر ارزشی را به کل این حکومت تحمیل کرده اند و با حضور در مقابل نهادها و دستگاه های مخوف و سرکوبگر و استثمارگر جمهوری اسلامی بطور متحد برای کسب حقوق سیاسی و اجتماعی خود روزانه دارند می جنگند، با چنگ و دندان از این دستاوردها دفاع خواهند کرد و تلاش از این به بعد جامعه ما همچنان پیشروی هر چه بیشتر برای تحقق خواست و مطالبات پایه ای خود در جهت سرنگونی این رژیم خواهد بود. اکنون و بعد از این بازی مضحك، به خط شدن تمام ضربه گیرها به خط شدن تمام مهره ها و جریاناتی که شغل شان عمر خریدن برای رژیم

جمهوری اسلامی بود، در يك جبهه در كل پیکره رژیم، برای مردم بخوبی قابل رویت است.

يك پارچه شدن حکومت امری واقعی نیست چرا که راست در يك انتخابات با تقلب، شبه کودتائی را بر علیه جناحهای دیگر سازمان داد در حالیکه این جناح بخش کوچکی از کل سیستم را در اختیار دارد و چند دستگی و تشتت نیروهای سرکوبگر شامل سپاه پاسداران، وزارت اطلاعات، بسیج، ارتش و ارگانهای دیگر را در بر گرفته و مهمتر از همه مردمی که حق و حقوق خود را میخواهند و برای بدست آوردن رفاه و آزادی مبارزه کرده اند مشکل حکومت جدید را صد چندان میکنند. حکومت جدید مجبور است برای یکدست کردن خود و همراه کردن نیروهای سرکوبگر دست به اقداماتی بزند و کودتایش را در میان ارگانهای خود و با بعقب کشاندن مردم ادامه دهد. این حکومت هیچ شانس موفقیتی ندارد و ناچارا برای حفظ خود دست به ماجراجویی خواهد زد. کارگران، زنان و نیروهای سیاسی باید هشیار باشند و هر حرکت رژیم را بصد خود تبدیل کنند.

در روزهای آینده نیز هم چنان شاهد جدال هائی در بالا خواهیم بود که هر يك به نوبه خود برای چگونگی مقابله با انقلاب مردم از خود بروز خواهند داد. ناله و فغان های "ناراضیان و اندیشمندان خودی" برای سهم خواهی و در جهت فریب مردم نیز دیگر به پایان رسیده است. در شرایطی بسر می بریم که دیگر هیچ شخص و یا جناحی از حکومت نمیتواند ژست اپوزسیون درون حکومتی را برای مهار مبارزات مردم به خود بگیرد. جدال واقعی میان مردم و کل رژیم هیچگاه به اندازه این دوران قطبی نبوده است. شفاف شدن صفوف این جدال بعد از از نمایش انتخاباتی، این امکان را فراهم کرده است تا مردم سرنگونی طلب بدون حضور ضربه گیرهائی چون دو خرداد و رفسنجانی و دیگران، اینبار و بدون مانع، کار سرگون ساختن جمهوری اسلامی را که متشکل از کلیه جناحهاست به نتیجه نهائی خود برسانند.